

یادداشت



منصور شریاتی دروازه‌بان سابق تیم ملی فوتبال

شماره یک‌های مطمئن در جام جهانی

در سال‌های اخیر، ترکیب دروازه‌بانی تیم ملی فوتبال ایران با حضور چند چهره با تجربه و جوان شکل متعادلی به خود گرفته است؛ ترکیبی که هم بر پایه تجربه‌های بین‌المللی استوار است و هم نگاهی به آینده دارد. در این میان، بیرانوند به‌عنوان دروازه‌بان شماره یک تیم ملی، جایگاهی تثبیت‌شده دارد. او با سابقه حضور در جام جهانی و مسابقات سطح بالای باشگاهی، از نظر تجربه و مدیریت شرایط پر فشار، همچنان گزینه اصلی کادرفنی محسوب می‌شود و نقش محوری در ساختار دفاعی تیم ایفا می‌کند.

یادداشت



مهدی پاشازاده مدافع سابق تیم ملی فوتبال

مأموریت دشوار کمر بند دفاعی

انتخاب فهرست نهایی مدافعان تیم ملی فوتبال، پیش از هر زمان دیگری دشوار شده است؛ نه به دلیل تعدد گزینه‌های هم‌سطح، بلکه به علت محدودیت واقعی در کیفیت و عمق نسل موجود. سال‌هاست در پست دفاعی، با مسأله کمبود نسل مؤثر روبه‌رو هستیم؛ مسأله‌ای که البته مختص فوتبال ایران نیست و در بسیاری از کشورها نیز به‌صورت مقطعی رخ می‌دهد، اما در ایران به دلیل ضعف در فرآیند پرورش بازیکن، عمیق‌تر و پایدارتر شده است.

«ایران» میزان اثرگذاری و کیفیت بازیکنان تیم ملی فوتبال در جام جهانی ۲۰۲۶ را بررسی می‌کند در اندیشه خلق یک حماسه ماندگار

سینا حسینی / آتالیز فهرست بازیکنان دعوت‌شده از سوی امیرقلعه‌نویی برای جام جهانی ۲۰۲۶ نشان می‌دهد که منطق حاکم بر انتخاب‌ها، پیش از آنکه مبتنی بر ثبات یک ساختار تاکتیکی ثابت باشد، بر پایه «انعطاف‌پذیری ساختاری» و «چندگانه‌بودن بازیکنان در فزاینده‌ی مختلف بازی» طراحی شده است. به تعبیری ساده‌تر، تیم ملی به سمت مدلی حرکت کرده که در آن قابلیت تغییر آرایش درون‌مسابقه‌ای (تغییر تاکتیکی در جریان بازی) به یک اصل کلیدی تبدیل شده و انتخاب بازیکنان در خدمت این هدف قرار گرفته است. در این چارچوب، اولویت اصلی کادر فنی به بازیکنانی اختصاص یافته که توانایی ایفای نقش در بیش از یک پست تخصصی را دارند؛ موضوعی که نشان

علیرضا بیرانوند همچنان یکی از ستون‌های اصلی تیم ملی ایران است؛ دروازه‌بانی با تجربه دو جام جهانی که در مدیریت فشار مسابقات بزرگ، برتری محسوس دارد. نقطه قوت او در واکنش‌های سریع، مهار ضربات و آغاز حملات با پرتاب‌های بلند است؛ ویژگی‌هایی که در سیستم دفاعی انتقالی ایران بسیار کارآمد محسوب می‌شود. بازی با پایا و برخی نوسانات تمرکز از چالش‌های او به شمار می‌رود. بیرانوند در ۳۴ سالگی در اوج پختگی قرار دارد و در صورت حفظ ثبات، می‌تواند در بازی‌های مفید نقش تعیین‌کننده‌ای در نتایج تیم ملی ایفا کند.

سیدحسین حسینی در ۲۲ سالگی، به‌عنوان گزینه دوم دروازه‌بانی تیم ملی، نقشی مبتنی بر آمادگی ذهنی و قابلیت ورود سریع به ترکیب ایفا می‌کند. نقطه قوت اصلی او مهارت در واکنش‌های سریع در فاصله نزدیک است که او را به گزینه‌ای قابل‌انگاز در شرایط اضطراری تبدیل می‌کند. محدودیت در تجربه بین‌المللی می‌تواند در مواجهه با فشار بازی‌های بزرگ تأثیرگذار باشد. میزان اثرگذاری حسینی متوسط رو به بالا ارزیابی می‌شود؛ بویژه در سناریوهایی که نیاز به حفظ تعادل دفاعی تیم وجود دارد.

پيام نيازمند در ۳۰ سالگی، به‌عنوان دروازه‌بانی با مؤلفه‌های مدرن، گزینه‌ای تاکتیکی برای ساختار بازی‌ساز از عقب محسوب می‌شود. توانایی او در بازی با پایا، آغاز حمله و مشارکت در فاز مالکیت، مزیتی مهم در قیاس با برخی رقابت‌ها می‌تواند در سناریوهایی مبتنی بر بازی‌سازی از خط دفاعی، ارزش افزوده ایجاد کند. جای‌گیری مناسب، تمرکز بالا و دروازه‌بانی قابل اعتماد ساخته است. احتمال محدود حضور در ترکیب اصلی، میزان اثرگذاری او را به سطح متوسط کاهش می‌دهد؛ مگر در شرایط خاص تاکتیکی.

احسان حاج‌صفی در ۳۵ سالگی، به‌عنوان با تجربه‌ترین مهره خط دفاعی تیم ملی، نقشی فراتر از یک مدافع صرف ایفا می‌کند. توانایی بازی در چند پست، درک بالایی تاکتیکی و قدرت رهبری درون زمین، او را به عنصری کلیدی در سازماندهی ساختار دفاعی و مدیریت جریان بازی تبدیل کرده است. هرچند افت فیزیکی و کاهش توان دوئنگی او نسبت به سال‌های اوجش مشهود است، اما جای‌گیری هوشمندانه و تصمیم‌گیری کمرسک تاحدی این ضعف را جبران می‌کند. اثرگذاری حاج‌صفی بیش از آن‌که صرفاً فنی باشد، در هدایت تیم و ایجاد تعادل تاکتیکی معنا پیدا می‌کند.

میلاد محمدی در ۲۲ سالگی، به‌عنوان مدافع چپ با ویژگی‌های سرعتی و رویکرد تهاجمی، گزینه‌ای مؤثر در فاز انتقالی تیم ملی محسوب می‌شود. توانایی او در نفوذ از کناره‌ها و ایجاد برتری عددی، بویژه در سیستم‌های مبتنی بر ضد حمله، می‌تواند ساختار هجومی تیم را پویاتر کند. نایاب‌بودن در تصمیم‌گیری نهایی، بویژه در ارسال‌ها و انتخاب زمان پیشروی، از نقاط ضعف او به شمار می‌رود. از دیدگاه تدافعی نیز، نیاز به تمرکز مستمر در بازگشت‌ها محسوس است. اثرگذاری محمدی متوسط و تا حد زیادی وابسته به فرم روز و انضباط تاکتیکی اوست.

علی علیپور در ۳۰ سالگی، مهاجمی پرتلاش و فعال در پرس است و بیشتر در نقش مکمل خط حمله تعریف می‌شود. فشار مداوم بر مدافعان و تحرک بالا از ویژگی‌های مثبت اوست. عدم ثبات در گلزنی از محدودیت‌های مهم اوست. میزان اثرگذاری او متوسط ارزیابی می‌شود و نقش اصلی‌اش ایجاد فضا و کار تیمی است.

علی نعمتی در ۲۹ سالگی، به‌عنوان مدافعی چندپسته با انعطاف‌پذیری تاکتیکی، گزینه‌ای کارآمد در نقش مکمل برای ساختار دفاعی تیم ملی محسوب می‌شود. توانایی او در پوشش فضاها، جابه‌جایی میان پست‌های مختلف و درک نسبی از وظایف تاکتیکی، به‌کادر فنی امکان ایجاد تنوع در آرایش دفاعی را می‌دهد. با این حال، در نبردهای فیزیکی و تقابل با مهاجمان سطح بالا همچنان نیازمند ارتقا و ثبات بیشتری است. نعمتی بیشتر در سناریوهایی چرخشی با شرایط اضطراری می‌تواند مفید باشد؛ از این رو، میزان اثرگذاری او در مجموع متوسط و وابسته به نقش تعریف‌شده است.

دانیال ایبری در حدود ۲۲ سالگی، به‌عنوان بازیکن جوان و آینده‌دار، بیشتر در نقش سرمه‌ای‌گذاری بلندمدت برای تیم ملی مطرح است. پویایی، انرژی بالا و انگیزه پیشرفت از ویژگی‌های برجسته اوست که می‌تواند در تمرینات و دقایق محدود مسابقه ارزش افزوده ایجاد کند. نبود تجربه در سطح بین‌المللی و مواجهه محدود با فشار بازی‌های بزرگ، مهم‌ترین چالش او محسوب می‌شود. میزان اثرگذاری او در این تورنمنت پایین و عمدتاً در راستای کسب تجربه و تطبیق با سطح رقابت‌های جهانی ارزیابی می‌شود.

شجاع خلیل‌زاده در ۳۵ سالگی، به‌عنوان مدافع میانی با سبک بازی فیزیکی و تهاجمی، یکی از گزینه‌های با تجربه در قلب خط دفاعی تیم ملی محسوب می‌شود. برتری او در نبردهای هوایی، دوئل‌های تن‌به‌تن و روحیه جنگندگی، رقابت‌ها می‌تواند در مهاجمان قدرتمند می‌تواند به تثبیت ساختار دفاعی کمک کند. تمایل به بازی پرسرک و بروز خطاهای فردی در برخی لحظات حساس، چالشی جدی در سطح رقابت‌های بزرگ به شمار می‌رود. اثرگذاری خلیل‌زاده متوسط رو به بالا ارزیابی می‌شود؛ بویژه در سناریوهایی دفاعی فشرده و بازی‌های فیزیکی.

محمدحسین کتغانی‌زادگان در ۳۱ سالگی، به‌عنوان مدافعی مرکزی با قابلیت‌های دوگانه دفاعی و هجومی، یکی از گزینه‌های مهم خط دفاعی تیم ملی محسوب می‌شود. توانایی او در بازی‌های هوایی و خطر‌سازی روی ضربات ایستگاهی، بعدی اضافه به ساختار تیم می‌دهد. آسیب‌پذیری نسبی در برابر مهاجمان سریع و تغییر جهت‌های ناگهانی، می‌تواند در سطح بالای رقابت‌ها چالش‌برانگیز باشد. میزان اثرگذاری او متوسط ارزیابی می‌شود؛ با این تفاوت که در سناریوهایی بسته و موقعیت‌های ایستگاهی می‌تواند نقشی فراتر از حد انتظار ایفا کند.

آریا یوسفی در ۲۳ سالگی، به‌عنوان مدافعی جوان با ویژگی‌های فیزیکی مطلوب و ظرفیت بالای رشد، بیشتر در نقش مکمل و آینده‌محور برای تیم ملی مطرح است. انرژی بالا، پوشش مناسب در کناره‌ها و تمایل به مشارکت در فاز هجومی از نقاط قوت اوست. محدودیت تجربه در سطح بین‌المللی و مواجهه با مهاجمان تراز اول، مهم‌ترین چالش او محسوب می‌شود. میزان اثرگذاری یوسفی پایین تا متوسط ارزیابی می‌شود و وابسته به فرصت‌های محدود بازی خواهد بود.

شهریار مغالانو در ۳۰ سالگی، مهاجمی هدف با ویژگی‌های فیزیکی برجسته است و در سناریوهایی بازی مستقیم نقش مهمی دارد. قدرت سرزنی و توان حفظ توپ از ویژگی‌های کلیدی اوست. وابستگی به نوع تغذیه هجومی از محدودیت‌های عمده اوست. میزان اثرگذاری مغالانو متوسط رو به بالا ارزیابی می‌شود.

کسری از تانیه، در فضاها محدود و تحت فشار شدید حریف رقم می‌خورد؛ جایی که کارایی بازیکنان دارای چندپست اهمیت مضاعف پیدا می‌کند. انتخاب‌های فهرست ۲۶ نفره نشان می‌دهد قلعه‌نویی به دنبال افزایش ظرفیت تغییر‌دهنده تیم در جریان بازی است؛ به گونه‌ای که تیم بتواند در فاز بدون توپ، بلوک دفاعی فشرده و متغیر داشته باشد و در فاز مالکیت توپ، به سرعت به ساختارهای پویا در کناره‌ها و نیم‌فضاها تبدیل شود. این موضوع به‌طور مستقیم به کیفیت «انتقال» تیم، چه از دفاع به حمله و چه بالعکس، وابسته است. چالش اصلی این مدل تاکتیکی در تورنمنت مهمی چون جام جهانی، میزان توان تیم در «اجرای پایدار در برابر تیم‌های با فشار بالا و ریتم

صالح حمدانی در ۲۶ سالگی، به‌عنوان مدافع راست پرتلاش تیم ملی، گزینه‌ای قابل‌انگاز در ساختار دفاعی-انتقالی محسوب می‌شود. دوئنگی بالا، پوشش مناسب فضاهای کناری و توانایی بازگشت سریع در فاز دفاعی، از او بازیکنی منضبط ساخته است. نوسان در کیفیت ارسال‌ها و تصمیم‌گیری در فاز هجومی از بهره‌وری تیم ملی می‌کاهد. در سیستم‌هایی مبتنی بر نظم دفاعی و ضد حملات سریع، نقش او پررنگ‌تر خواهد بود. میزان اثرگذاری حمدانی متوسط ارزیابی می‌شود و بیش از هر چیز به ثبات عملکرد و دقت در فاز پایانی بستگی دارد.

رامین رضاییان در ۳۴ سالگی، به‌عنوان مدافع راست هجومی با تجربه بین‌المللی قابل توجه، همچنان یکی از مؤثرترین گزینه‌های تهاجمی در کناره‌های زمین محسوب می‌شود. توانایی او در ارسال‌های دقیق، مشارکت فعال در فاز هجومی و ضربات ایستگاهی، بعدی خلاقانه به ساختار تیم ملی اضافه می‌کند. هرچند افت نسبی در توان فیزیکی و دوئنگی دفاعی قابل مشاهده است، اما تجربه و هوش تاکتیکی این ضعف را تا حدی جبران می‌کند. بویژه در سناریوهایی خلق موقعیت از جناح راست و بازی‌های گره‌خورده.

علیرضا جهانبخش در ۲۲ سالگی، به‌عنوان وینگری با تجربه و یکی از رهبران فنی تیم ملی، نقشی فراتر از یک بازیکن کناری ایفا می‌کند. حضور در سطح اول فوتبال اروپا، در کنار توانایی بازی در فازهای مختلف هجومی و مشارکت دفاعی، او را به مهره‌ای با قابلیت تبدیل‌پذیری در کناره‌ها، در مدیریت لحظات حساس و انتقال تجربه نیز اثرگذار است. میزان اثرگذاری او بالا ارزیابی می‌شود؛ بویژه در بازی‌های بزرگ و شرایط تحت فشار.

سعید عزت‌اللهی در ۲۹ سالگی، به‌عنوان هافبک تدافعی اصلی تیم ملی، نقشی محوری در حفظ تعادل ساختار دفاعی و قطع جریان بازی حریف ایفا می‌کند. قدرت فیزیکی بالا، توانایی در نبردهای میانه میدان و مهارت در تخریب حملات رقیب، او را به ستون ثبات تاکتیکی تیم تبدیل کرده است. علاوه بر وظایف تدافعی، نقش او در پوشش فضاها و آغاز انتقال نیز اهمیت دارد. میزان اثرگذاری عزت‌اللهی بسیار بالا ارزیابی می‌شود؛ بویژه در بازی‌هایی که کنترل مرکز زمین تعیین‌کننده نتیجه است.

روزبه چشمی در ۳۲ سالگی، به‌عنوان بازیکن چندپسته با هوش تاکتیکی بالا، یکی از مهره‌های انعطاف‌پذیر تیم ملی محسوب می‌شود. توانایی بازی در پست‌های مختلف دفاعی و مدافع مرکزی، امکان تغییر آرایش بدون افت محسوس را فراهم می‌کند. او در پوشش فضاها، قطع خطوط پاس و اجرای وظایف ساده اما مؤثر عملکردی قابل اعتماد دارد. هرچند از نظر سرعت و پویایی در سطح متوسط قرار دارد، اما در مدیریت بازی و اجرای دستورات تاکتیکی نقش مهمی ایفا می‌کند. میزان اثرگذاری او متوسط رو به بالا ارزیابی می‌شود.

دنیس درگاهی در ۲۲ سالگی، جوان و کم‌تجربه در سطح ملی است و بیشتر در قالب پروژه توسعه‌ای تعریف می‌شود. انرژی بالا و انگیزه پیشرفت از ویژگی‌های مثبت اوست. با این حال، فقدان تجربه بین‌المللی محدودیت اصلی اوست. میزان اثرگذاری او پایین ارزیابی می‌شود.

بازی سریع خواهد بود. اگرچه انعطاف‌پذیری تاکتیکی یک مزیت محسوب می‌شود، اما در صورت نبود انسجام در الگوهای تثبیت‌شده حمله و عدم تعریف دقیق نقش‌ها در فاز سوم زمین (نزدیک محوطه هجده‌قدم حریف)، این انعطاف می‌تواند به کاهش هماهنگی ساختاری نیز منتهی شود. تیم ملی ایران یامدلی وارد جام جهانی ۲۰۲۶ می‌شود که در آن «تنوع نقش‌ها» بر «تخصص تک‌بعدی» غلبه دارد و موفقیت این رویکرد، به میزان دقت در اجرای اصول انتقالی، کیفیت تصمیم‌گیری در مناطق بحرانی و توان مدیریت ریتم بازی در برابر حریفان سطح اول جهان وابسته خواهد بود؛ مسأله‌ای که تعیین می‌کند این رویکرد تا چه اندازه می‌تواند به عبور از مرحله گروهی منجر شود.

امیرمحمد زراقی در ۲۱ سالگی، به‌عنوان هافبکی جوان و آینده‌دار، بیشتر در قالب پروژه تجربه‌اندوزی و توسعه بلندمدت تیم ملی تعریف می‌شود. برخورداری از ظرفیت رشد بالا، انگیزه پیشرفت و پویایی فیزیکی از ویژگی‌های اصلی اوست. محدودیت تجربه بین‌المللی و مواجهه اندک با فشار رقابت‌های بزرگ، مانع اثرگذاری پایدار او در این تورنمنت است. میزان اثرگذاری او پایین ارزیابی می‌شود و نقش او عمدتاً معطوف به کسب تجربه خواهد بود.

محمد محبی در ۲۷ سالگی، به‌عنوان وینگری سرعتی و مبتنی بر بازی مستقیم، یکی از گزینه‌های مهم در فاز انتقالی تیم ملی محسوب می‌شود. توانایی او در عبور از مدافعان و حمل توپ در فضاها باز از مهم‌ترین مزیت‌های اوست. نایاب‌بودن در تصمیم‌گیری نهایی و کیفیت ضربه آخری، می‌تواند از بهره‌وری او بکاهد. میزان اثرگذاری محبی متوسط رو به بالا ارزیابی می‌شود؛ بویژه در بازی‌هایی مبتنی بر ضد حمله.

مهدی قایدی در ۲۶ سالگی، بازیکنی تکنیکی و خلاق در فضاها محدود است و می‌تواند یکی از ابزارهای تغییر ریتم تیم باشد. توانایی بالا در درگیری‌ها و کنترل توپ در فضاها فشرده، در برابر تیم‌های دفاعی ارزشمند است. با این حال، وابستگی به شرایط بازی و عدم ثبات در تأثیرگذاری مداوم از محدودیت‌های اوست. میزان اثرگذاری او متوسط ارزیابی می‌شود و بیشتر در شرایطی که نیاز به بازی‌های خاص تاکتیکی و ورود از نیمکت است.

سامان قدوس در ۳۲ سالگی، به‌عنوان هافبک خلاق و بازی‌ساز، یکی از مهره‌های اثرگذار در فاز هجومی تیم ملی محسوب می‌شود. توانایی او در پاس‌های کلیدی، تغییر ریتم بازی و شکستن خطوط دفاعی، در مسابقات بسته بسیار تعیین‌کننده است. نقش او در جام جهانی ۲۰۲۶ بالا ارزیابی می‌شود.

محمد قربانی در ۲۴ سالگی، هافبکی جوان با ویژگی‌های فیزیکی مناسب و توان تخریب در میانه میدان است. انرژی بالا و توانایی قطع حملات از مهم‌ترین ویژگی‌های او محسوب می‌شود. میزان اثرگذاری او متوسط ارزیابی می‌شود و نقش او در کنترل ریتم و ایجاد تعادل در خط میانی تعریف می‌شود.

مهدی طارمی در ۳۳ سالگی، ستون اصلی خط حمله تیم ملی و یکی از تجربه‌ترین مهاجمان نسل خود است. طارمی علاوه بر گلزنی، در ارتباط بین خطوط و ایجاد فضا برای دیگر مهاجمان نیز نقش کلیدی دارد. میزان اثرگذاری او بسیار بالا ارزیابی می‌شود و مهمترین عنصر هجومی تیم ملی در این تورنمنت محسوب می‌شود.

یادداشت



ابراهیم قاسمیور هافبک سابق تیم ملی فوتبال

ضرورت نوسازی ساختاری

خط هافبک در فوتبال نقش محور ارتباطی میان خطوط دفاع و حمله را ایفا می‌کند و مهم‌ترین کارکرد آن، تنظیم ریتم بازی، کنترل سرعت گردش توپ و ایجاد انسجام تاکتیکی است. هرگونه ضعف در این بخش، به‌طور مستقیم باعث گسست در زنجیره تیمی و کاهش کیفیت بازی‌سازی می‌شود. در ترکیب فعلی تیم ملی ایران، به نظر می‌رسد هافبک‌ها در برخی مؤلفه‌های کلیدی فوتبال مدرن، از جمله پرسینگ مؤثر، پوشش فضای یک سوم میانی و انتقال سریع از دفاع به حمله، با محدودیت‌هایی مواجه هستند که این مسأله می‌تواند توان تیم را در برابر حریفان سطح بالا در رقابت‌های بین‌المللی کاهش دهد.

یادداشت



حسن روشن مهاجم سابق تیم ملی فوتبال

طارمی، کلیدی‌ترین مهره ایران

جام جهانی عرصه‌ای است که در آن بهترین مدافعان جهان روبه‌روی هم قرار می‌گیرند و برای هر تیم وجود یک هافبک خلاق که توپ را در بهترین شرایط به مهاجم برساند، اهمیت حیاتی دارد. در غیر این صورت حتی داشتن چندین مهاجم بزرگ نیز تضمینی برای موفقیت نخواهد بود، چرا که فوتبال در سطح جهانی بیش از هر چیز به هماهنگی تیمی وابسته است.

یادداشت